



آمادگی ظهور منوط به فهم مطالبه امام است/ گناهی که بخشیده نمی‌شود

جامعه دینی اگر بخواهد به آن آمادگی برسد باید دو مطلب را نسبت به امام زمان رعایت کند. مطلب اول این است که ایشان از ما چه مطالبه ای دارد و مطلب دوم این است که ما نسبت به او چه وظیفه ای داریم؟

جامعه دینی اگر بخواهد به آن آمادگی برسد باید دو مطلب را نسبت به امام زمان رعایت کند. مطلب اول این است که ایشان از ما چه مطالبه ای دارد و مطلب دوم این است که ما نسبت به او چه وظیفه ای داریم؟

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه شصتم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

یکی از حکمت های غیبی امام زمان، آماده بودن جامعه بشری برای محقق کردن آن هدف والای امام عصر است که استقرار عدالت است. این استقرار عدالت، پذیرش عدالت هم می خواهد و فقط مجری آشنای به مواضع عدالت، کافی نیست.

برای ایجاد این آمادگی، در جامعه برون دینی برای رسیدن به آن آمادگی آزمون و خطا می کنند تا به این برسند که هیچکس جز یک شخصیت وحیانی نمی تواند به ما کمک کند. ما هر آنچه بوده امتحان کردیم و نتیجه نگرفتیم.

ولی جامعه درون دینی یک مزیت دارد و آن این است که اگر بخواهد به آن آمادگی برسد باید دو مطلب را نسبت به امام زمان رعایت کند. مطلب اول این است که ایشان از ما چه مطالبه ای دارد و مطلب دوم این است که ما نسبت به او چه وظیفه ای داریم؟

پیامبر فرمود «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» حضرت شاخص را داده است ولی ما شاخص را کم کم، کم رنگ کرده ایم. قرآن تبدیل شده به وسیله استخاره و تبرک، در حالی که کتاب هدایت است و ما بهره برداری هدایتی از قرآن نداریم. اهل بیت هم که منشا هدایت هستند تبدیل شده اند به مظهر مودت و ما فقط به آنها عشق می ورزیم نه اینکه از هدایت گری آنها بهره ببریم.

فردی به نام خیمه روایتی از امام باقر(ع) نقل می کند که می گوید ما اعمال حج را انجام دادیم و برای خدا حافظی شرفیاب محضر امام باقر(ع) شدیم که اگر حضرت پیامی دارند به دوستان و شیعیان آن حضرت برسانیم. حضرت فرمودند «يَا خَيْمَةَ أُنْبِئِ مَنْ تَرَى مِنْ مَوَالِينَا السَّلَامَ وَ أَوْصِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ أَنْ يَعُودَ غَنِيَّهُمْ عَلَى فَقِيرِهِمْ وَ قَوِيَّهُمْ عَلَى ضَعِيفِهِمْ وَ أَنْ يَشْهَدَ حَيْثُ هُمْ جَنَازَةَ مَيِّتِهِمْ وَ أَنْ يَتَلَقَّوْا فِي بَيْتِهِمْ فَإِنَّ لِقَاءَ بَعْضِهِمْ بَعْضًا حَيَاةٌ لِأَمْرَتَا اللَّهِ أَمْرَتَا يَا خَيْمَةَ أُنْبِئِ مَوَالِينَا أَنَّا لَا نُعْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا يَعْمَلْ وَ أَتُهُمْ لَنْ يَنَالُوا وَ لَأَيَّتْنَا إِلَّا يَالْوَرَعِ وَ أَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ»

یعنی ای خیمه هر کس از دوستان ما را می بینی سلام برسان و آنها را بتقوای خدای بزرگ سفارش کن و این که توانگرشان بر فقیرشان توجه کند و قویشان بر ضعیف و زنده آنها بر جنازه میتشان حاضر شوند و در منازل به ملاقات یکدیگر روند، زیرا ملاقات آنها با یکدیگر موجب زنده ساختن امر ماست، خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده دارد. ای خیمه به دوستان ما پیغام ده که ما از طرف خدا آنها را جز به عملشان بی نیازی ندهیم و چاره سازی نکنیم، جز باورع به دوستی ما نرسند و پرحسرت ترین مردم روز قیامت کسی است که عدالتی را بستاید و سپس به خلاف آن گراید (مانند کسی که به ولایت ائمه تظاهر کند و از آنها پیروی ننماید یا عمل صالحی را بستاید و به آن عمل نکند).

وقتی ما را توصیه به تقوی می کنند یعنی ما چه کار باید بکنیم؟ کلام امیرالمومنین معنا را روشن می کند که فرمود «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فِيمَا أَنْتُمْ عَنْهُ مَسْئُولُونَ وَ إِلَيْهِ تَصِيرُونَ» یعنی شما را درباره آنچه نسبت بدان بازخواست می شوید و به سوی آن می روید، به پروا داشتن از خدا سفارش می کنم.

این عبارت حکایت از این مطلب می کند که شما از عملتان سوال می شوید و شما به سوی عملتان باز می گردید. «فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره و من يعمل مثقال ذرة شرا يره».

بنابراین وقتی ائمه به تقوی توصیه می کنند، رعایت تقوی این است که در عمل خدا را در نظر بگیریم.

زندگی ما مجموعه ای از کنش ها و واکنش ها است که در تحقق آن یک انگیزه می خواهد، انگیزه هر فرد هر چه باشد به سوی آن عمل می کند. اگر انگیزه اعمال من خدا باشد من موجودی خدایی می شوم. شما اگر ده دقیقه در دکان قصابی قرار بگیرید بوی گوشت می گیرید و یا ده دقیقه در دکان عطاری یا عطر فروشی قرار بگیرید، بوی آن را می گیرید. مهم است که صیغه شما چه باشد. اگر می خواهید صیغه الله بگیرید باید در عمل خدا را رعایت کنید. یعنی مثلا من نماز را برای قربه الی الله بخوانم نه برای اینکه بخاطر احترام گذاشتن مردم بخوانم.

پس اولین توصیه این است که در عمل خود خدا را رعایت کن.

ادامه روایت می فرماید «وَأَنْ يَعُوذَ غَيْرَهُمْ عَلَى قَبْرِهِمْ وَ قَوِيَّهُمْ عَلَى ضَعْفِهِمْ» این مربوط به کسی است که اگر صاحب منصب شد، رویه ای اینچنین داشته باشد.

در نهج البلاغه نامه ۵، امیرالمومنین به یکی از کارگزاران خود می فرماید «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ يَطْعَمَةٌ وَ لِكَيْتُ فِي عَثْقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ» یعنی حوزه فرمانروایی طعمه تو نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو، و از تو خواسته اند که فرمانبردار کسی باشی که فراتر از توست.

خود حضرت امیر همین کار را می کرد. ابن عباس روایت می کند که «دخلت علی امیرالمومنین (ع) بذی قار و هو یخصف نعله فقال لی ما قیمه هذه النعل فقلت لا قیمه لها فقال علیه السلام و الله لهی احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقا و ادفع باطلا» یعنی او گفت در محلی به نام ذی قار بر امیرالمومنین (ع) وارد شدم و دیدم که با دست مبارک خود کفش خود را وصله می زند پس از این که کار اصلاح کفش تمام شد فرمودند قیمت این کفش چه قدر است عرض کردم این کفش هیچ ارزشی ندارد فرمود به خدا قسم همین کفش در نظر من محبوب تر است از امارت و فرمانروایی شما مگر این که حقی را اقامه کنم یا از باطلی جلوگیری کنم.

لذا اگر کسی بخواهد بگوید که من مسئولیتی که قبول کردم سفره نیست و لقمه چرب و نرم نیست، باید دائماً در دو کار باشد، یا اقامه حق کند و یا دفع باطل کند. این یک مسئولیت خیلی مهم است.

این مطالبه امام از صاحب منصبان است. این به معنی مردم مداری است.

امیرالمومنین وقتی محمد ابن ابی بکر را به ولایت مصر منصوب کردند فرمودند «فانت محقوق ان تخالف علی نفسک و ان تنافخ عن دینک و لو لم یکن لک الا ساعة من الدهر» یعنی بر تو شایسته است که با هواهای نفسانی مخالفت و از دین خود دفاع کنی، هر چند برای تو ساعتی از زندگی نمانده باشد.

ملاک امیرالمومنین برای کارگزار خود دو چیز است یکی تهذیب نفس داشته باشد و دیگری اینکه دین را بشناسد و جاننش را برای دینش بدهد.

نکته دیگر بحث شایسته سالاری است. پیامبر فرمود «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مِنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُسْلِمِينَ.» یعنی هر کس جلودار - امام - عده ای از مسلمانان گردد در حالی که می داند در بین مسلمین فردی بهتر از او وجود دارد پس خائن به خدا، رسولش و مسلمانان خواهد بود.

نکته بعدی که حضرات معصومین از ما مطالبه می کنند «وَ أَنْ يَعُوذَ غَيْرَهُمْ عَلَى قَبْرِهِمْ» است. یعنی ثروتمندان مراقب فقرا باشند. فراز قبلی این بود که صاحب منصبان مراقب زیردستان باشند اما این فراز برای کل مردم است.

در میانی دینی ما چیزی وجود دارد به نام اداء حقوق مومن. قرآن می فرماید «انما المومنون اخوه» خداوند بین اجزای جامعه پیوند برادری ایجاد کرده است. این برادری فقط در عنوان نیست، بلکه به این معنی است که شما حقوقی دارید و من موظف به اداء این حقوق هستم.

امام صادق(ع) می فرماید «ما عبد الله بشيء افضل من اداء حق المؤمن.» یعنی خداوند، به چیزی برتر از «ادای حق مؤمن»، عبادت نشده است.

ما در سوره مبارکه نساء آیه ۴۸ این عبارت را داریم که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» یعنی محققاً خدا گناه شرک را نخواهد بخشید و سواى شرک را برای هر که خواهد می بخشد.

این خیلی آیه امیدوارکننده ای است که خدا غیر از شرک هر گناه دیگری را اگر بخواهد می بخشد. از این «ما دون ذلك» دو گناه استثنا می شود. اول آیه می گوید شرک را نمی بخشد، اما همه گناهان مشمول مغفرت می شوند مگر دو گناه.

امام زین العابدین می فرماید «بغفر الله للمؤمنين كل ذنب و يطهر منه فى الدنيا و الآخرة ما خلا ذنبيين: ترك التقية، و تضييع حقوق الاخوان» یعنی خداوند هر گناهی را از مؤمنان می &rlm&بخشد و دنیا و آخرت را از آن پاک می &rlm&کند، مگر دو گناه: ترک تقیه و از بین بردن حقوق برادران دینی.

اگر حقوق برادران دینی، یعنی پیکره جامعه ادا نشود، خدا این گناه را نمی بخشد.

اولین سوال این است که مومنین بر ما چه حقی دارند که اگر من آن را ادا نکنم خدا از تقصیرات من نمی گذرد؟